

من به هیچ حزب یا سازمانی وابسته نیستم

من با عقیده شما موافق نیستم اما،
از حق شما در ابراز عقیده تان، تا پای جان دفاع می کنم.
«ولتر»

بسیار می شنویم که روشنفکران و فعالین اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تأکید می کنند که به هیچ حزب یا سازمانی وابسته نیستند. آیا عدم وابستگی به یک تشکل یک فضیلت است؟ آیا ناتوانی در تشکل دادن مردم یا همگام شدن با دیگران در رسیدن به مقصدی مشترک یک نقطه قوت است؟

انسان ها فقط در گروه های سازمان یافته قادر به عملی کردن برنامه های اجتماعی خویش هستند. در یک تشکل است که کارائی انسان ها هماهنگ می شود و انسانها همگامی، همکاری، انتقاد کردن و انتقاد شدن را تجربه می کنند و رواداری و مدارا و تاثیر متقابل را تمرین می کنند. فقط در یک تشکل است که کیفیت و کمیتی که فرد به تنهایی قادر به نیل آن نیست حاصل می شود.

فقط یک ملت سازمان یافته در احزاب و سازمان های سیاسی، تشکل های صنفی، سندیکاها، انجمن های فرهنگی، هنری، تشکل های حفاظت از محیط زیست، انجمن های کمک به کودکان و زنان، تیم های ورزشی و ... قادر به عملی کردن برنامه های خود و رسیدن به خواست های خود است و می تواند این خواست ها را ژرفا دهد و از دستاوردهای خود حراست کند.

دیکتاتورها، از هر نوعش، تشکل مردم را بر نمی تابند و آن را با تمام قوا و با قساوت حیوانی در هم می شکنند؛ در مقابل، دموکرات ها هر تلاش مردم در سازمان دادن خود را با تمام قوا تشویق و حمایت می کنند. از این رو، دشمنی جنون آسای رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی با احزاب، سازمان ها و تشکل های مردم، قابل درک است. ولی آنچه قابل درک نیست تشکل ستیزی برخی از فعالین سیاسی و اجتماعی است که گاه خود قبلن عضو تشکلی بودند و کف کردن آنها در نکوهش سازمان یافتن و عضو احزاب و سازمان ها شدن.

برخی فعالین سابق سازمان ها و احزاب در سخنرانی های ضد سازمان پذیری خود، سینه چاک می کنند و خود را پس از بریدن از تشکل های خود، آزاد توصیف می کنند. با قاطعیت می توان گفت: اگر کسی استقلال شخصیت و یا اعتماد به نفس ندارد، مشکل او با بریدن از تشکل ها حل نمی شود. او دوباره همان رابطه را با رسانه گروهی غربی، با افکار های مد روز و یا با یک مراد دیگر، بازسازی می کند.

باید تاکید کرد که هر جمع انسانی، چون هر موجود زنده دیگر، مستعد بیماری و انحراف از اهداف و اصول خود است. تنها راه مبارزه با انحرافات تشکل ها قبل از هر چیز شناختن این بیماری ها و تربیت انسان های مستقل و با اعتماد به نفس و مبارزه دائمی با کارکردهای منفی گروه (1) از قبیل سازگاری با گروه (همرنگی با جماعت)، فشار گروهی، اطاعت محض و کورکورانه، طفره رفتن اجتماعی، گروه اندیشی، کیش شخصیت و ... است؛ نه نفی تشکل و در شیپور سازمان ستیزی کور دمیدن.

جمهوری اسلامی بدون استثنا همه تشکل های مردم ایران را با خشونت حیوانی نابود کرد. در این دوران، جنبش ایران بیش از هرزمانی به تشکل احتیاج دارد. باید قباحت سازمان ناپذیری و سازمان ستیزی از یک سوی و شکوه همگامی و همدوشی با جمع و رزمیدن دوشادوش دیگران را دریافت. جامعه ای که مردمش در تشکل های سیاسی، صنفی، حرفه ای، فرهنگی، ورزشی و ... متشکل نشوند و در این تشکل ها درس رواداری، برخورد مسالمت آمیز با اندیشه های مخالف را نیاموزند و با همگامی و همدوشی با هزاران نفر در راه آرمانی مشترک مبارزه نکنند، هیچ دستاورد پایداری نخواهند داشت.

باید به چنان پختگی فرهنگی و درجه ای از رواداری و تسامح عروج کنیم که شکوه، ارزش و کرامت بی مرز انسان را دریابیم تا عضویت فرد در یک تشکل ذره ای از این ارزش، شکوه و کرامت نکاهد. این اولین قدم در راه تمرین استقلال رأی، قضاوت مستقل، شجاعت مدنی، رواداری و سعه صدر است.

مرداد 1390

(1): برای مطالعه بیشتر گروه و کارکرد های مثبت و منفی آن نگاه کنید به:

Forsyth, Donelson R. (2010). *Group Dynamics*. Belmont, CA: Thomson Wadsworth.

Treynor, Wendy (2009). *Towards a General Theory of Social Psychology: Understanding Human Cruelty, Human Misery, and, Perhaps, a Remedy (A Theory of the Socialization Process)*. Redondo Beach: Euphoria Press.

Janis, Irving L. (1982). *Groupthink: A psychological study of policy decisions and fiascoes*. Boston: Houghton Mifflin Company.

ahad.ghorbani@gmail.com

<http://ahad-ghorbani.com/>

<http://www.facebook.com/ahad.ghorbani.dehari>